

انشاي دانش آموز کلاس دوم دبستان

ما حيوانات را خيلي دوست داريم، با بايمان هم همينطور. ما هر روز در مورد حيوانات حرف مي‌زنيم، با بايمان هم همينطور. با بايمان هميشه وقتي با ما حرف مي‌زند از حيوانات هم ياد مي‌کند، مثلاً امروز با بايمان دوبار به ما گفت؛ توله سگ مگه تو مشق نداري که نشستي پاي تلوزيون؟ و هر وقت ما پول مي‌خواهيم مي‌گويد؛ کره خر مگه من نشستم سر گنج؟

چند روز پيشا وقتي ما با مامايمان و با بايمان مي‌رفتيم خونه عمه زهرا اينجا يک تاکسي داشت مي‌زد به پيکان با بايمان. با بايمان هم که آن روي سگش آمده بود بالا به آقاهه گفت؛ مگه کوري گوساله؟ آقاهه هم گفت؛ کور باباته يابو، پياده مي‌شم همچين مي‌زنمت که به خر بگي زن دايي، با بايمان هم گفت؛ برو بينيم بابا جوجه و عين قرقي پريد پايين ولي آقاهه از با بايمان خيلي گنده تر بود و با بايمان را مثل سگ کتک زد. بعدش مامايمان به با بايمان گفت؛ مگه کرم داري آخه؟ خرس گنده مجبوري عين خروس جنگي بپري به مردم؟

ما تلوزيون را هم که خيلي حيوان نشان مي‌دهد دوست مي‌داريم، البته علي آقا شوهر خاله مان مي‌گويد که تلوزيون فقط شده راز بقا، قديمي که همش گربه و کوسه نشون مي‌داد، حالا هم که يا اون مارمولکها رو نشون مي‌ده يا اين بوزينه رو که عين اسب واسه ملت خالي مي‌بنده. ما فکر مي‌کنيم که منظور علي آقا کارتون پينوکیو باشه چون هم توش گربه نره داشت هم کوسه هم پينوکیو که دروغ مي‌گفت.

فاميل هاي ما هم خيلي حيوانات را دوست دارند، پارسال در عروسي منوچهر پسر خاله مان که رفت قاطي مرغ ها، شوهر خاله مان دو تا گوسفند آورد که ما با آن ها خيلي بازي کرديم ولي بعدش شوهر خاله مان همان وسط سرشان را برید! ما اولش خيلي ترسيديم ولي با بايمان گفت چند تا عروسي برويم عادت مي‌کنيم، البته گوسفندها هم چيزي نگفتند و گذاشتند شوهر خاله مان سرشان را ببرد، حتما دردشان نيامد. ما نفهميديم چطور دردشان نيامده چون يکبار در کامپيوتر داداشمان يک فيلم ديديم که دوتا آقا که هي مي‌گفتند الله اکبر سر يک آقا رو که نمي‌گفت الله اکبر بریدند و اون آقاهه خيلي دردش اومد. و ما تصميم گرفتيم که هميشه بگيم الله اکبر که يک وقت کسي

سر ما را نبرد.

ما نتیجه می‌گیریم که خیلی خوب شد که ما در ایران به دنیا آمدیم تا بتوانیم هر روز از اسم حیوانات که نعمت خداوند هستند استفاده کنیم و آنها را در تلوزیون ببینیم در موردشان حرف بزنیم و عکسهای آنها را به دیوار بچسبانیم و به آنها مهرورزی کنیم و نمی‌دانیم اگر در ایران به دنیا نیامده بودیم چه غلطي باید می‌کردیم.